

## علیه کرونا، برای دفاع از زندگی، خود را سازمان دهید

خالد حاج محمدی

زندگی و هستی انسانها را به شکل زمختی مشاهده میکند.

دولتهای بورژوازی نماینده اقلیتی انگل، که اقتصاد و دارایی جهانیان را قبضه کرده اند، ... صفحه ۴

پوشیده نیست. امروز بشریت از دریچه کرونا و برخورد دولتهای بورژوازی با این اپیدمی، و مخاطراتی که جان و هستی بشریت را تهدید میکند، عمق تعفن و ضدیت آنها با هر نوع انسان دوستی، با حرمت و کرامت،

کرونا همه مرزهای جهان را در نوردیده است و هر روز عده بیشتری را به کام مرگ فرو میبرد. بی مسئولیتی دول کاپیتالیستی حاکم بر جهان در قبال این معضل و جان و هستی انسانها بر کسی

حکمتیست  
۳۰۰

۲۶ مارس ۲۰۲۰ - ۷ فروردین ۱۳۹۹  
پنجشنبه ها منتشر میشود

### کجای کار اشتباه بود؛ جدال

جهانی "کرونا"

ثریا شهابی صفحه ۶



### این نظام باطل است!

### مردم انتخاب کنند

مظفر محمدی

مردم انتخاب کنند!

اختلاس و دزدی سران حکومت از تولید و صنعت و تجارت است؟ دویست میلیارد بودجه ی سپاه قدس بر می گردد؟ دولت جواب نمی دهد. در خانه بمانید برای دولت و نهادهایش یک شعار توخالی است.

برای بخش عظیم فقرا و محرومان معنیش این است که در خانه بمانید و بمیرید. ... صفحه ۳

اگر در خانه ماندند، تکلیف کار و زندگی و درآمد و مایحتاج و بدهی های شاغلین و حقوق بگیران و کسبه ی جزء چه می شود؟ نان و معیشت بیکاران و فقرا و گرسنگان چه می شود؟ بودجه اختصاصی در خانه ماندن مردم کدام است؟ درآمدهای تریلیونی نهادهای وابسته به بیت رهبری است؟ ذخیره های چند تریلیون دلاری

حکومتهای سرمایه داری دنیا زیر بمباران اعتراض اجتماعی و مدافعان زندگی اند. در میان این ها جمهوری اسلامی از همه آبروباخته تر است.

جمهوری اسلامی بار مسوولیت دفاع از زندگی در مقابل بیماری کرونا را بر دوش مردم انداخته است. روحانی در نهایت بی شرمی و بی حیایی و وقیحانه، هر بار خطاب به مردم چیزی می گوید و در واقع هیچی نمی گوید.

### مردم قربانیان ساکت مسلخ کرونا ی این حکومت نخواهند شد!

مصطفی اسدپور

ششم فروردین ماه ۱۳۹۹ در تاریخ معاصر ایران ماندگار خواهد بود. در این روز بنا به اخبار رسمی، ارتش "مردمی و قدرتمند" ایران با سرعت شگفت آور ۴۸ ساعته ناوگان پزشکی کشور را به "مجتمع بیمارستان ۲۰۰۰ تختخوابی ارتش در تهران" مجهز نمودند! عکس این مجتمع ضمیمه است، و همان جای شکی باقی نمیگذارد که اگر این محل تماما نه برای نجات، بلکه تنها به قصد قتلگاه بیماربهای واگیر بر پا شده است. اینجا و در این محل بهداشت غیر ممکن است، درمان و بهبودی محلی از اعراب ندارد. این مجتمع سالن انتظار مرگ حتمی، محل در غلطیدن پشته های مبتلایان به نیستی در زیر یک سقف مشترک است. تخت های باندازه کافی محکم و "مجهز" به ملحفه ظاهرا تنها پیش بینی لازم و ضروری طراحان است که مبتلایان بخت برگشته را وسوسه کند بجای فرار و هراس و تنهایی در این مجتمع کپه مرگ خود را بگذارند... ایران نه در آستانه فاجعه، بلکه در مواجهه با یک فاجعه بزرگ انسانی است. مجتمع مورد بحث یک شاهد گویا برای وضعیت مشابه در کل جامعه در ابعاد میلیونی است. توانایی لجستیکی و قدرت تشخیص ارتش و فرماندهان آن بی گمان بیش از این دون پایگی است. اگر انتظار تعداد کافی بیمارستان و تخت و تجهیزات شاید کمی از توقعات منطقی فراتر باشد، محل های مناسب برای نگهداری بیماران و فقط با معیار پاکیزگی در قصر و وزارتخانه ها و در ... صفحه ۲

آسیا و آفریقا، بین المللی کرد. تاثیری که کرونا بلحاظ سیاسی، اقتصادی و ایدولوژیکی در ابعاد اجتماعی تا هم اکنون بر جهان نگری انسانها و توقع و تلقی شان از فلسفه زندگی داشته است قابل مقایسه با دو جنگ جهانی است.

دنیای بعد از کرونا دنیای ایده آل های انسانی و افق های پیشرو در مقابل برزخ سرمایه داری است. ص ۷



### در انتهای

### یک فاز

فواد عبداللهی

کرونا، از هم اکنون شاهد آنیم. زندگی زیر سایه نظام سرمایه داری قربانیان زیادی داشته است. کرونا تنها چهره ضد انسانی این نظام را از آمریکا و اروپا تا

با کرونا، جهان وارد دوران جدیدی شده است؛ دورانی که در آن محکوم علیه حاکم، دولت در برابر مردم، ندار مقابل دارا، لخت و عور صف آرای کرده اند. این شاید مهمترین روندی باشد که ما در انتهای فاز

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری



سیاسی حاد است. این مردم حق دارند از دست ویروس کرونا جان سالم بدر ببرند، اما این سیاستها و جانیان اسلامی سرمایه است که مردم زحمتکش را کت بسته به قربانگاه ویروس میبرد. مردم حق دارند از فقدان بیمارستان و تخت و کیسول اکسیژن با مرگ کلنجار نروند. سلامتی و تندرستی ما در مشت نکبت جمهوری اسلامی سرمایه است. گذر زندگی هر

یک از ما گویای حکایتی است بر چگونه جان سالم را از انواع مخاطرات، از گرسنگی و بیماری و بیکاری، جان سالم را از دست وحشیگری انواع دستجات سرکوب و از زندانها به در برده ایم. امروز وقت آن است که جان و سلامتی را با قدرتی بیشتر و با اراده مستحکم تر از حلقوم جمهوری اسلامی بیرون بکشیم.

این نه کرونا، بلکه بیش از آن، ویروس اسلامی سرمایه است که زمینگیر میکند و میکشد. مراقبت های فردی و محدودیت های رفت و آمد بجای خود، ایران باید و حق است فریاد اعتراض مشترک علیه تباهی کرونا باشد. جمهوری اسلامی خوب میداند این مردم قربانیان ساکت مسلخ کرونی این حکومت نخواهند شد؛

همیاری مردمی به جای خود، فعالین ابتکارات و بسیج محلات بجای خود، اما این فعالین و کارکنان فداکار بیمارستانها عزیزترین سرمایه برای ساختن جامعه انسانی پس از خرابه های جمهوری اسلامی هستند، کرونا نباید به خشت ها و سرمایه گرانقدری از اتحاد و رزمندگی و امید و خوش بینی ما علیه جمهوری اسلامی آسیب وارد آورد.

کرونا شرایط مبارزه با جمهوری اسلامی را تحت تاثیر قرار میدهد، کرونا حاصل اراده و خواست و محرک دلخواه کسی نبود، اما در اصل کشمکش میان مردم و جمهوری اسلامی نه تنها تغییری ایجاد نمیکند بلکه هیزم تازه ای بر شورش و طغیان مردم در نجات خود است. این روحیه، خطر انفجار اعتراضات توده ای و همزمان، پافشاری بر مطالبات روشن تنها راه نجات از کابوس مرگ کرونا است.

۱- تامین سرپناه و مسکن از طریق تعهد پرداخت اجاره ها از طرف دولت، دسترسی همگانی به آب و برق مجانی

۲- تامین مواد غذایی پایه در توزیع در محلات با نظارت نمایندگان شوراهای واقعی مردم

۳- توزیع و دسترسی همگانی به طب و بهداشت همگانی و مجانی

۴- اختصاص همه بیمارستانهای خصوصی و مراکز درمانی نیروهای مسلح در اختیار سازمان بهداشت عمومی

تک تک مطالبات فوق مستقیماً دست درازی کرونا و اپیدمی آنرا بطور جدی و فوراً سد میندند. تک تک مطالبات شدنی هستند. میتوان با یک چرخش قلم آپارتمانهای خالی را در اختیار کارتن خوابها و کودکان خیابانی قرار داد. با یک دستور میتوان حقوق یک ماه وزرا و نمایندگان مجلس را به تامین اجاره بازنشستگان اختصاص داد و ... باید جمهوری اسلامی را به مرگ گرفت تا به تب رضایت دهد.

اعیان نشین های آن جهنم دره کم نمیتوان سراغ گرفت. به بیان ساده روز ششم فروردین ماه ۱۳۹۹ روز دیگری در ایامی است که طبقه حاکم و دولت آن رتق و فتق میکند تا شر کرونا با قیمت اقتصادی ارزانتر و با کمترین تلاطم های سیاسی از سر بگذرد. مقامات و فرماندهان و پیشوایان حکومتی دروغ نمیگویند، ادا در نمیآورند، تشعشع غرور و رضایت خاطر در وجنات این مقامات واقعی و صادقانه است! سیاستها و اقدامات هر چه معوج و پیوج و توخالی تر، اما، به همان اندازه، نه از کاربردستان، بلکه از مردم حکایت دارند. خوب که گوش میدیدید فرماندهان بیش از خود، از مردم میگویند ... آنچه میگویند و آنچه هست، اوج لیاقتی است که مردم را شایسته آن میدانند، آنچه مردم باید و میتوانند انتظار داشته باشند... نمایشی رقت انگیز مملو از خودستایی در زورق های چندش آور "مردم نوازانه" اسلامی؛ همین!

آیندگان سال ۱۳۹۹ را با ورق زدن بایگانی جراید بخاطر میآورند ... ایامی که توده مردم ناگهان خود را بدون سقف، بدون کار، بدون پناهگاه، بدون درآمد، با محل های کار آکنده از سموم و ناامنی، و در چنبره بیمه و سلامتی دور از دسترس؛ یک هیولا را در حیات خلوت زندگی خود یافتند که دیگر حتی راه هوای تنفسی را نیز بر آنها می بست. آیندگان سال ۱۳۹۹ و ایام سیاه ترور کرونا را با انبوه مزخرفات و شیدای سیاستمدارانی ورق خواهد زد که نتیجه عملی و کارنامه آنها در مقابله با یک فاجعه از هیچ فراتر نرفت، هیچ!

اما این مردم در زندگی واقعی جز مواجهه با ویروس گریزی ندارند. اگر دولت به افاضات و نق زدن ها و منت بی جا تبدیل شده است، در عوض ویروس آنجاست، آنرا نمیتوان ندیده گرفت، خلاصی از شر آن با تغییر کانال تلویزیون ممکن نیست. با خطر ویروس مردم عزیزان خود را از مراکز سالمندان و مراکز بهزیستی گرد خود آورده اند. خانواده ها بزرگتر شده است، مخارج بهداشتی عرصه را تنگ تر ساخته است... و در شرایط بمراتب بدتر اقتصادی باید گلیم زندگی را نجات داد. برای نان آور این خانواده ها تهدید ویروس اساساً قابل درک نیست. تامین زندگی همواره در فاصله میان مرگ و زندگی صورت گرفته است... و امروز با مخاطرات بمراتب بیشتر. اما تا کی؟

در هجوم کرونا، مردم و مبتلایان و نیازها سر جای همیشگی بقوت خود باقیست. در این میان، دولت است که کرکره را پایین کشیده و در انبوه آمار و تایید و تکذیب از خود اعلام رفع مسئولیت کرده و معلق است. مردم وظایف حکومت را بر دوش میکشند، این مردم سرنوشت مقدر خدای آسمانها را در مریوان و پاوه و محلات و شهرهای ناشناخته به بازی گرفته اند. معجزه، این مردم هستند. ارتش و پیشوا و حکومت یاره میبافند؛ در بیمارستانها در فقدان دستکش و مواد اولیه ویروس و ابتلا حکم میراند، در عوض، آغوش و کاشانه و قلب این مردم پشت و پناه و حفاظ مقابله با بیماری در دنیای واقعی است. اما تا کی و چگونه؟

تجربه زنده کشورهای ایتالیا و اسپانیا، کشورهایی که درایت و هوشیاری و قبل از هر چیز مسئولیت دولت در قبال شهروندان در سطحی بسیار فراتر از مورد حکومتی ایران، حکایت از بحران اجتناب ناپذیر پیش رو دارند. جمهوری اسلامی جلو اشاعه بیماری را نمیخواهد و نمیتواند بگیرد. سیاست "در خانه ها بمانید" به تنهایی راه حل نیست. رها کردن مردم با سفره های خالی، بدون امکانات بهداشتی و درمانی، دیکته کردن استیصال، و تجویز نسخه انتظار و هراس مرگ است. اما تا کی و چگونه؟ ایران آبستن تلاطم های

شور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید!

این نظام باطل است ...

مردم انتخاب کنند! دولت بیمارستان نمی سازد. کمک های انساندوستانه ی دولت ها و حتی پزشکان بدون مرز را که آماده ساختن بیمارستان بودند را رد می کند، شهر و مناطق بحرانی را قرنطینه نمی کند، پزشکان و پرستاران دسته دسته قربانی می شوند. آمار جانباختگان چند برابر امارهای رسمی دولتی است. بخش مبتلای جامعه بدون شک میلیونی است. بیش از سه ماه است ویروس کرونا در ایران بدون هیچ مانعی جولان کرده است. هواپیماهای مسافری ایران - چین و بالعکس و طلبه های چینی و ایرانی قم، کرور کرور ویروس وارد و به جامعه تزریق کردند. از مراکز مذهبی قم و مشهد، ویروس کرونا به سراسر کشور بخش شد. باران ویروس خرافات بر سر مردم بارید. نهایتاً ویروس کرونا نه یک بیماری بلکه جن هایی است که خدا برای مردم ایران فرستاده است. جن ساخت خدا است و جالب است که سایه های خدا و نشانه های خدا "آیت الله" بر زمین از خامنه ای تا همه ی آیت الله ها و حجت الاسلام ها و سران حکومت، جن زده و در سوراخ های کاخ ها و ویلاهایشان قرنطینه شده اند.

مردم انتخاب کنند! مردم ایران به نسبت جهان، با ویروس مضاعفی روبرو هستند. برای مردم مبارزه با ویروس کرونا از مبارزه با جمهوری اسلامی جدا نیست. چهل سال است مردم برای هر حق ولو کوچک حتی آزادی پوشش تا دستمزد مکفی و معیشت و خطر فلاکت جنگیده اند. جامعه ی ایران در جنگ نان و آزادی با جمهوری اسلامی، از کشتارهای جمعی دهه ی شصت تا قربانیان میلیونی جنگ، جنگ علیه مردم کردستان و اعتراضات آذر ۸۶ و آبان ۸۸ بسیار بیشتر از بیماری کرونا تلفات جانی داشته است. امروز شیوع کرونا جنگ تحمیلی دیگر به مردم است. این جنگ و کشتار به مردم تحمیل شد چرا که از همان روزهای اول امکان پیشگیری این بیماری با قرنطینه ی قم وجود داشت. ولی جمهوری اسلامی نه تنها این کار را نکرد بلکه خود عامل شیوع گسترده ی آن به سراسر ایران شد.

مردم انتخاب کنند! اینجا ایران است. چین و کره و ایتالیا و فرانسه و آلمان نیست. دولت ایتالیا کل بودجه مملکت را به بهداشت اختصاص می دهد، آلمان چند تریلیون دلار به مبارزه با کرونا اختصاص می دهد. دولت بوریس جانسون در نتیجه ی اعتراضات مردم به قرنطینه و مبارزه با کرونا تسلیم شده است. دولت ترامپ خود را به آب و آتش می زند تا با مصرف ده تریلیون دلار سرمایه داری امریکا را نجات دهد، اما این بختک جامعه ی امریکا نمی تواند در مقابل خواست جامعه برای تامین زندگی و تلاش علیه بیماری کرونا بی شرمانه و وقیحانه به پیش بتازد. این دیو بی شاخ و دم که شباهت زیادی به خامنه ای و روحانی دارد، توسط مردم امریکا مهار و رام می شود.

مردم ایران انتخاب کنند! انتخاب و خواست فوری امروز این است:

- ۱- ستاد بحران به ریاست روحانی کنار برود و زمام امور بحران کرونا و مبارزه با این بیماری مرگبار را به نمایندگان واقعی جامعه در میان کارگران، زنان، جامعه ی پزشکی، جوانان و انساندوستان بسپارد. این ستاد واقعی بحران کرونا در ایران است.
- ۲- کل بودجه سال ۹۹ به مبارزه با بیماری کرونا اختصاص داده شود. بودجه ی نظامی، بودجه ی سپاه قدس، بودجه ی مراکز مذهبی و لشکر آخوندها و طلبه ها ... از بودجه ی سال قطع شود.
- ۳- حقوق مدیران و وکلای مجلس و قضات و وزرا و سرداران سپاه و ارتش و بسیج و اطلاعات سپاه و دولت به حد حقوق کارگران و حقوق بگیران جامعه تقلیل یابد.
- ۴- از دولت ها و سازمانهای بین المللی کمک های لازم دریافت و مورد استقبال قرار گیرد. از جمله پزشکان بدون مرز به ایران برگردند. امکانات بیمارستانی و بهداشتی و درمانی رسماً در خواست شود.
- ۵- هتل های لوکس و کاخ های ویژه ی مدارس و تبلیغات مذهبی و ... به مراکز بهداشت و بیمارستان های مبارزه علیه کرونا اختصاص داده شود.
- ۶- در همه ی شهرها شوراها ی مردمی شهر تشکیل و زمام امور را که امروز مبارزه با کرونا است بر عهده بگیرند.

خیلیها می گویند مساله را سیاسی نکنید. این خودفربیی محض است. در

مملکتی که نفس کشیدن هم سیاسی است، لباس پوشیدن و خوردن و نوشیدن سیاسی است، دفاع از حرمت انسان سیاسی است، چرا بیماری کرونا و سیاست دولت در قبال آن سیاسی نیست؟ هست. این خواستها و انتخاب مردم، انقلاب نیست. راه حل نا متعارف مبارزه با بحرانی نامتعارف است. امروز کنترل و شیرازه ی جامعه ایران بیشتر از هر زمان، پاشیده است. تنها دو بخش جامعه عهده دار مقابله با بیماری مرگبار کرونا است. یکی جامعه ی پزشکی انساندوست و قهرمان و دیگری نهادها و گروه های امداد و انساندوستان و دلسوزان جامعه که هر دو با چنگ و دندان از زندگی و زنده ماندن دفاع می کنند. مانورهای شرم آور سپاه و نسخه های خرافی روحانیون و داستان جن زدگی خامنه ای، نشان از یک جامعه رها شده به امان خدا و جن و کرونا است. راه حل ما این است که این حاکمیت را از بالا تا پایین از بیت رهبری و متعلقاتش تا دولت روحانی و مجلس و دستگاه قضایی را که عملاً فریز شده و در قرنطینه اند، بگوییم در فریز و قرنطینه بمانند. این به نفع جامعه ی ما و انسانیت است!

بحران کرونا وطاعون جمهوری اسلامی نامتعارف است. جامعه ی ما می تواند با انتخابش این بحران را از سر بگذراند و باز مائیم و جمهوری اسلامی و سرنوشت نهایی حاکمیت در ایران پسا کرونا!

مردم انتخاب کنند. ما می خواهیم دفاع از زندگی و علیه مرگ، دست کسانی باشد، دست جامعه ای باشد که حتی مرگ یک انسان فاجعه ای محسوب می شود. دولتی که در دهه شصت گورهای جمعی کند، در مقابل خیزشهای دی و آبان، قبرهای آماده درست کرد، دولت نیست، یک مشت قاتل و جنایتکار است. آنها برای ما قبر کرده اند. آنها برای سالنمدان و بیمارهای جامعه ی ما که بیشترین قربانیان کرونا هستند قبر آماده دارند. اما اگر قرار است سالنمدان ما، دیابتی های ما، کسانی که بیماری قلبی دارند، فشار خون دارند، بیماران سرطانی ما و بدون اغراق میلیونها انسان که بخاطر فقر غذا و بهداشت در مقابل بیماری مقاومت نمی کنند... بمیرند. اگر قرار است این بخش مردم ما بمیرند، ده ها هزار آخوند و مداح و سردار و وزیر و وکیل بالای ۶۰ سال داریم، خیلیهایشان از همه ی آن امراض نصیب دارند. خامنه ای هم سرطان دارد... این ها هم می میرند. اما ما نمی خواهیم کسی بمیرد. حتی خامنه ای، خامنه ای و روحانی و امثال آن ها باید زنده بمانند تا در دادگاه انسانیت بجرم ده ها جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

مردم انتخاب کنند! ما می توانیم بدون این انگل های مفتخور جامعه را از بیماری کرونا نجات دهیم. ما بلدیم. تجربه مردم بوهان چین را داریم. درست است سیاست قاطع دولت چین لازم بود، اما جان بیش از صد میلیون مردم شهر و ناحیه بوهان را هزاران پزشک و پرستار و ده ها هزار داوطلب که مواد بهداشتی و بسته های مواد خوراکی به خانه های مردم بردند، نجات دادند. پس ما هم می توانیم.

هم اکنون در شهرهای ایران صدها گروه امداد مردمی داوطلب شبانه روز کار می کنند. ضدعفونی می کنند، ماسک میسازند. محلول ضدعفونی می سازند. در شهرهایی چون پاره و جوانرود و نودشه و نوسود ... آمد و رفت را کنترل می کنند. در چنین جاهایی نهادهای دولتی مجبور اند با این مردم انساندوست کنار بیایند و امکانات موجود را در اختیارشان بگذارند.

مردم انتخاب کنند! انتخاب ما و خواست مردم ایران این است که، ستاد فرمایشی بحران کنار برود. ستاد مردمی بحران تشکیل شود. کل بودجه ۹۹ به بهداشت علیه کرونا اختصاص داده شود. بر اساس نظرات محققین و پزشکان و متخصصان تصمیم گرفته شود کجا صد در صد قرنطینه شود و کجا کم تر. کدام کارخانه کار کند یا تعطیل شود. چه چیزهایی تولید انبوه لازم است. چند بیمارستان و مراکز قرنطینه لازم است و الی آخر ... مردم!

این نظام باطل است. بیت خامنه ای جن زده شده، دولت روحانی فاسد و دروغگو و پنهانکار است. این ها خود عامل گسترش ویروس کرونا بوده و هستند. اگر کسی منکر این واقعیت تلخ شود، یا فریب خورده است یا خوشخیال و بی تفاوت به سرنوشت خود و انسان های جامعه. ما باید انتخاب کنیم. انتخاب ما معلوم است. برایش بجنگیم. بدون این پیروزی بر کرونا حتی اگر ممکن شود، به قیمت جانباختن ده ها و شاید صدها هزار از عزیزانمان تمام می شود. باید انتخاب کنیم!

بباید حقوق جهانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهای است

علیه کرونا، در دفاع از زندگی ...

با حمله به سطح معیشت طبقه کارگر و مردم کارکن جامعه، با زدن بیمه های اجتماعی، خدمات پزشکی و درمانی، با تحمیل فقر و گرسنگی و بی امکاناتی، با دامن زدن به جنگ، با تحمیل آوارگی و فلاکت و ناامنی، بخش عظیمی از بشریت را در این دوره حساس با مخاطرات جدی روبرو کرده اند. مردم محروم و اکثریت عظیمی که زیر خط فقر زندگی میکنند، اکثریتی که به بهداشت مناسب، امکانات پزشکی لازم و تغذیه سالم دسترسی ندارند، قربانیان اصلی این ویروس هستند.

در ایران که وضع به مراتب بدتر است. مردم ایران بدون کمترین امکانات پزشکی و درمانی و ... در مقابل خطر کرونا رها شده اند و جمهوری اسلامی در کیسه دارایی های وسیع جامعه را بر روی آنها بسته است. روسای جمهوری اسلامی نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر هر روز توصیه میکنند که مردم در خانه بمانند، بدون اینکه به این واقعیت جوابگو باشند که تامین نان شب و امکانات اولیه زندگی برای میلیونها انسانی که قبل از کرونا هم با فقر کامل دست و پنجه نرم میکردند، بر عهده کیست. ریاکارانه و در نهایت بی شرمی و شقاوت و بیرحمی از هم اکنون مسبب مرگهای چند صد نفر در روز را نه بی مسئولیتی مطلق کل حاکمیت، نه عدم تلاش در حفاظت از جان و سلامت و زندگی مردم بلکه مردم و عدم رعایت نکات ایمنی از جانب آنها اعلام میکنند.

همین حقایق در بسیاری از کشورها مردم انساندوست و عدالتخواه را به همیاری و تلاش برای کمک به هم کشانده است. در ایران نیز از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب انسانهای شرافتمند برای کمک به هم و مقابله با کرونا در تلاشند و انواع ابتکارات را در دستور گذاشته اند. جامعه ایران زیر حاکمیت جمهوری اسلامی و چهل سال بی مسئولیتی در قبال جان و زندگی انسانها، آموخته است که نباید دست روی دست گذاشت و منتظر حاکمیت شد. آموخته است برای مقابله با زلزله و سیل و انواع "بلایای طبیعی" باید به نیروی خود، به انساندوستی خود متکی شود و طی چند دهه گذشته در مقابله با همه "بلایای طبیعی" تجارب گرنهایی را کسب کرده اند. انسان دوستی، کمک به هم، تلاش برای دست در دست هم گذاشتن و معضلات را حل کردن، در این جامعه موج میزند. بی تردید امروز و در مقابله با کرونا، این بزرگترین سرمایه ما است. باید این سرمایه بزرگ را سازمان داد و به بهترین وجه به همیاری همدیگر پرداخت. در این زمینه بحثها و جدلهای زیادی در میان فعالین این میدان و در میان فعالین انسان دوست و کمونیست موجود است که تلاش میکنم به پاره ای از آنها جواب بدهم.

#### چه چیزی را سازمان دهیم و با کدام هدف

مبارزه با کرونا و تلاش برای کاهش میزان تلفات انسانی آن، امروز مهمترین امر هر انسان شرافتمند و آزادخواهی است. زمانیکه از سازمان صحبت میکنیم تنها مسئله سازمان دان خود به عنوان کمونیستها، به عنوان فعالین اجتماعی و انساندوست در یک شهر و یا محله و محدوده جغرافیای نیست. بحث بر سر سازمان دادن فعالین کمونیست در یک محل یا "فعالین حزبی" برای مبارزه با کرونا نیست. قطعاً سازمان دادن نیروی خود امری مهم است، اما بحث بر سر سازمان دادن یک نیروی عظیم اجتماعی و موجود در جامعه برای مقابله با کرونا و دفاع از جان انسانها است. سازمان یافتن این نیرو و دعوت به پیوستن دیگران به آن، وسعت دادن دامنه نفوذ سازمانیافته گروههای همیاری، جمعهای و گروههای مبارزه با این ویروس، گروههای دفاع از زندگی، باید هدف و امر ما باشد. محدود کردن سازمان این نیروی عظیم به فعالین کمونیست، فعالین اجتماعی کنونی که در فاجعه زلزله و سیل و ... به مردم نیازمند یاری رساندند، بسیار محدود و کم تاثیر است. کافی است در محلات مختلف از داوطلبین هسته ها و جمعهای اولیه همیاری و کمک

رسانی را سازمان داد و به مرور مردم شرافتمند را به پیوستن دعوت و تشویق کرد. قدم به قدم انسانهای دیگر را به این شبکه ها اضافه و در گروههای مختلف کاری با توجه به امکانات و مهارت و تجربه و توانایی داوطلبین استفاده کرد. باید از جایی شروع کرد و کم کم دامنه سازمانیابی از یک محله را به محلات دیگر و از یک شهر به شهرهای دیگر کشاند و این زنجیره عظیم انسانی را به هم وصل کرد. امروز صدها هزار انسان داوطلب این کمک رسانی و انجام کاری هستند که بدون سازمان راه به جای نمیبرند و قادر به پیشبرد کاری موثر نخواهند بود.

هدف اصلی امروز مبارزه با کرونا، کاهش تلفات آن و نجات زندگی مردمی است که بدون کمترین امکاناتی رها شده اند. این گروهها هیچ پرچمی جز پرچم انسانیت و دفاع از جان و هستی انسانها را بر خود ندارند. این گروهها تابع هیچ ملیت و قوم و مذهب و غیره ای نیستند. این گروهها جمع انسانهای شرافتمندی هستند که مستقل از تفکرات فردی و عقیده داشتن و نداشتن به هر دین و آیین و مکتب و مقدساتی، امروز علیه کرونا و برای نجات جان مردم متحد شده اند.

بی تردید گروهها و شبکه هایی که با این نیت تشکیل میشوند باید تلاش کنند، به هم وصل شوند، روابطی تعریف شده میان خود برقرار کنند، همدیگر را کمک و از تجارب هم استفاده کنند، با هم مشورت و همکاری کنند. اینها واحدهای یک جنبش انسانی و عدالتخواهانه علیه کرونا و برای نجات جان انسانها و به این اعتبار هر جای ایران هستند گوشه ای از یک ساختمان و یک شبکه عظیم انسانی و اعضای یک تن واحدند.

#### سلامتی خود این گروهها

طبیعتاً سلامتی این گروهها و اطلاع و آگاهی اعضا آن از چگونگی مبتلا نشدن و به این اعتبار آموزش اولیه آنها، تامین امکانات حفاظتی از خود اولویت اول است. چه برای این کار و چه کمک به مردم، اعضا این گروهها باید آموزش اولیه ای ببینند. برای این کار مستقل از اطلاعات وسیعی که امروز همه جا برای مقابله با ویروس و مبتلا نشدن موجود است، کمک گرفتن از متخصصین، پزشک و پرستار و ... یک امر حیاتی است. این گروهها طبیعتاً برای پیشبرد کار خود در کمک رسانی و بالا بردن آگاهی عمومی جامعه به مخاطرات و تبدیل موازین بهداشتی مقابله با کرونا به داده مردم، باید ابتدا خود به این مسائل آگاه باشند. لذا کمک رسانان و یاری دهندگان باید بطور جدی حفظ سلامت خود و امکانات لازم برای حفاظت را در اختیار و به آن مجهز باشند. در شرایطی که مراکز بهداشتی و بیمارستانها با کمبود امکانات پزشکی و پرسنل متخصص روبرو هستند و حاکمیت نیز حاضر به صرف هزینه لازم به این عرصه نیست، تلاش برای آموزش داوطلبینی که سازمان یافته اند از اهمیت صد چندان بر خوردار است.

#### هزینه ها چگونه تامین میشود؟

در اینکه حکومت کنندگان وظیفه حفظ سلامت و تامین امکانات لازم از هر زاویه ای برای مقابله با کرونا را دارند که به آن ننمیدهند، شکی نیست که بعد به آن میپردازم. اما برای تامین امکانات کمک رسانی چه وسایل بهداشتی و چه بسته های حمایتی غذایی برای خانواده هایی که امکان تامین نان شب خود را ندارند، باید به کمکهای مردم در همان جامعه متکی بود. فعالینی که در این میدان کار میکنند، بی تردید امکان تامین بخشی ناچیز از هزینه های این فعالیت را هم ندارند. تامین مالی این گروهها و تامین امکانات مورد نیاز به پول احتیاج دارد و پول را باید از همان مردم شرافتمند در محل گرفت. در آن جامعه کم نیستند انسانهایی که دستشان به دهنشان میرسد و حاضر به کمک هستند، باید جمع آوری کمک از آنها را سازمان داد و این بخشی جدی از کار است. ←



آنها دفاع از انسانیت و حرمت و کرامت انسانها و حق آنها در برخورداری از یک زندگی امن و انسانی است. تلاش برای گرفتن هر درجه ای از امکانات جامعه که در اختیار مراجع و ارگانهای دولتی از فرمانداری ها تا شهرداری و مراکز درمانی و شورای شهر و... است، نه تنها بلامانع که امری ضروری است. باید تلاش کرد بخشی از امکانات را از زیر چنگ و دندان آنها بیرون کشید و در اختیار مردم قرار داد. امروز بی مسئولیتی حاکمین و ضدیت آنها با امیال مردم، با سلامتی و حق حیات، با شادی و سعادت اکثریت مردم داده عمومی است. باید این داده عمومی را در همین شرایط ویژه که امکان تجمع و اعتراضات توده ای ممکن نیست به اشکال دیگری پیش برد. فشار به حاکمیت و طرح توقعات مردم در محله و شهر، جمع کردن طومار از مردم محل، نامه اعتراضی و اعلام کیفرخواست های هر بخش از جامعه علیه حاکمیت و بی مسئولیتی آنها، اعلام خواست و مطالبات فوری مردم محله و هر محل کاری، بخشی جدایی ناپذیر از کار است. فضای جامعه را با انواع ابتکارات باید به فضای نفرت و فشار به حاکمیت تبدیل کرد. اگر امکان تجمع اعتراضی موجود نیست، اما اعلام هر روزه کیفرخواستهای بخشهای مختلف طبقه کارگر، معلم، پرستار و دکتر تا مردم محلات، تحت فشار قرار دادن دولت، مجلس و نمایندگان و سخنگویان محلی آنها، برای تامین امکانات جهت مقابله با کرونا، تامین امکانات بهداشتی، درمانی، تامین امکانات کافی برای بیمارستانها و از جمله امکان حفاظت از جان پرسنل مراکز درمانی، تامین هزینه زندگی کسانی که در آمدی چنان ندارند و... به هر شکلی لازم و ضروری است. باید به هر اندازه ممکن و در توانمان باشد، امکانات مورد نیاز را از گلوی حاکمین بیرون کشید و آنها را مجبور به قبول مسئولیت کرد.

اما کل داستان این است که اولاً مردم نباید دست روی دست منتظر حکام مرتجع شوند و باید کاری کرد و علاوه بخشی از کار ما فشار به حاکمیت جهت مقابله با کرونا و حفاظت از جان مردم میباشد. ما باید این دوره را با هم و متحد سپری کنیم. دنیا بعد از این دوره و قطعاً ایران بعد از کرونا مهر این دوره را بر خود خواهد داشت. مقابله متحد و سازمانیافته امروز ما در مقابل کرونا، تضمین کننده موقعیت بهتر فردای طبقه کارگر، مردم محروم و آزادیخواه در مقابل حاکمیت است. باید برای مقابله با کرونا در امروز و برای ایجاد امکان مقابله قدرتمند و متحد با حاکمیت در بعد از کرونا آماده شویم.

باید راه و چگونگی آن، نوع کمکها از پول تا امکانات بهداشتی و غذایی را سازمان داد. باید در هر محله ای لیستی از کسانی که نیازمند کمک هستند و در این شرایط امکان قرنطینه کردن خود و همزمان تامین مواد اولیه زندگی را ندارند، تهیه کرد و به کمک مردم محل نیازمندی هایشان را تامین کرد.

جلب همکاری و همیاری معتمدین، اشخاص خوشنام و با اتوریته کسانیکه مردم به آنها اعتماد میکنند، از آنها حرف شنوی دارند، در محل، شهر و ... امری جدی است.

اطلاع رسانی، انتقال تجربه

باید مردم را از فعالیتهای خود، از مجموعه اقدامات خود، از موانع و مشکلات خود و از نیازمندی های خود مطلع کرد. باید وظیفه خود دانست که مردم را در هر سطحی و به هر شکلی که مناسب است در جریان کار خود قرار داد. خود این راهی برای جلب توجه آنها، مطلع کردن آنها و دخالت دادن آنها است. این بعلاوه کانالی برای تشویق کردن مردم، بیدار کردن وجدان انسانها، و انگشت گذاشتن بر انسانیت آنها برای همکاری و کمک به اشکال مختلف است.

اطلاع رسانی در عین حال راهی برای اطلاع کل جامعه و استفاده از تجارب مختلف برای پیشروی در این امر و تکثیر این فعالیتهای در اماکن و محلات و شهرهای دیگر است. باید تجارب خود و مشکلات و چگونگی رفع آن و همه ابتکارات با ارزش خود را در اختیار همگان قرار داد. باید مشکلات و موانع را با مردم شریک و سهیم شد.

این شبکه ها و این زنجیره انسانی در عین حال به تمرکزی در سطح سراسری محتاج است. تجربه کمک رسانی به زلزله زدگان، سیل زدگان نشان داده است که چنین شبکه هایی روابطی در هم تنیده و پایدارتر ایجاد میکند که میتواند در آینده و در هر واقعه ناگوار و همزمان در مقابله با حاکمیت یک نیروی جدی و پایدار را شکل دهد. باید از این تجربه ها آموخت و آگاهانه به استقبال آن، به آگاهانه و نقشه مند کردن این روابط و پایدار کردن این شبکه ها دست زد. وجود یک تمرکز سراسری همبستگی و یک صدایی و قدرت بزرگی را شکل میدهد که از هر زاویه ای و از جمله و امروز در مبارزه با کرونا دامنه تاثیر و حفظ جان انسانها را بشدت بالا میبرد. این مهم امکان مقابله سراسری با حاکمیت جهت تامین مایحتاج عمومی و افزایش امکانات بیمارستانها، تامین دارو و درمان و امکانات بهداشتی و نگهداری و... را و همزمان تامین حداقلی برای زندگی مردم را فراهم میکند.

مسئولیت حاکمیت چه میشود؟

ممکن است این نگرانی ایجاد شود که با این کار عملاً فشار از دوش حاکمیت برداشته میشود. نفس تشکیل چنین گروههای قبل از هر چیز مهر بی اعتباری حاکمیت در دفاع از زندگی و امنیت شهروندان خود را دارد. وجود این شبکه ها و جمع و کمیته و گروههای امدادی، خصوصاً اگر سراسری شوند و بتوانند طی مدتی یک هاله بزرگ انسانی را حول خود سازمان دهد که قطعاً در چنین شرایطی میلیونها انسان مدافع آن خواهند شد، توان و امکان فشار به دولت و همه سخنگویان، ارگانها و نمایندگان محلی آنها را نیز بیش از پیش فراهم میکند. لذا فشار به حاکمیت، طرح توقعات و انتظارات از حاکمیت نه تنها نباید کنار گذاشته شود که امکان افزایش آن هم با شکل گیری چنین زنجیره ای انسانی میتواند چند برابر شود.

باید تاکید کرد که این نهادها و گروهها مستقل از دولت و تنها پرچم

تعطیلی فوری مراکز تولیدی و تحصیلی  
و ... مبتلا به ویروس کرونا و پرداخت  
حقوق کامل کارگران و کارمندان!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیونید

## کجای کار اشتباه بود؟ جدال جهانی "کرونا"

ثریا شهبانی

شروع اپیدمی کرونا، "مرگ و میر" غیرقابل تصور مردم در پایتخت ها و شهرهای پیشرفته ترین کشورها و با اقتصادهای نجومی، از چین و ایتالیا و آمریکا و انگلستان تا فرانسه و اسپانیا، نمایش دادن لحظه به لحظه "تغییرات" در "منحنی مرگ و میر" مردم در نقاط مختلف جهان و گسترش احساس ترس و بی قدرتی و گرفتاری در چنگال حکومت هایی که خود کنترل چندانی بر اوضاع ندارند، بلافاصله این سوال که: "کجای کار ما اشتباه بود" را روی میز اطاق های فکری سیاسی و اقتصادی قدرتمندترین نیروهای حاکم بر جهان، گذاشت! سوالی که یک پاسخ ندارد! نبض بالا و پائین، هرچند در روزمره گی تلاش برای "بقا" در مقابل این اپیدمی، ظاهرا با هم میزند اما در عمق و در تلاش برای یافتن پاسخ نهایی نه تنها با هم نمی زند، که تماما دو جهت ماهیتا متضاد دارد. از امروز میتوان تلاش دوصف برای هژمون کردن پاسخ های خود، را دید. در یک سو، در بالا سردرگمی موج میزند و در سوی دیگر در پائین فکر چاره ای اساسی و نهایی موج میزند! در دل این "دو سویه"، زوایایی از سیمای فردای "پساکرونا"، قاب شده در یک چهارچوب نه چندان مبهم، را میتوان مشاهده کرد.

می پرسند که چرا جهان ناگهان در کام یک "جنگ جهانی"، رفت! جنگی که نه با این و آن قدرت رقیب اقتصادی و سیاسی و نظامی که بیش از دو دهه است در صحنه اند و جهانی را به زندگی در هراس و وحشت از خشونت بیشتر خود محکوم کردند، نه با این و آن حکومت و دولت "امپریالیستی" یا "تورویستی" و "محورش" که جنگ با "هیولایی" کشنده و "میکروسکوپی" است که "همه را با هم"، میتواند به کام مرگ بکشاند! این بار "هیدرا" را کدام "هرکول" از میان قدرت های حاکم، خواهد کشت! ترامپ! خامنه ای! یا نتنیاهاو! تلاش میکنند که نقد به "اشتباهات نظام" را در محدوده نقد برخی "زیاده روی" ها و "کمبودها" و "تاکیدها" و "مدیریت" های بد و "ناهمانگی" ها در سطح اقتصاد جهانی، نگاه دارند! در عین حال بلافاصله می گویند باید دقت کرد که در این سیر و پس از آن، اقتصاد بازار و کاپیتالیسم، مقصر جلوه نکند! "برتری شرق بر غرب" اثبات نشود! الگوی دخالت دولت در اقتصاد در مقابل بازار آزاد، و بالاخره و مهم تر از همه بار دیگر نسیم سوسیالیسم به وزش در نیاید! این پاسخ ها، نقشه راه "بالایی" ها و نشسته بر سکوی قدرت، را نشان میدهد. دبیرکل سازمان ملل در مصاحبه با خبرنگار یورونیوز میگوید که: ما در جدال با این ویروس در "شرایط جنگی" هستیم و باید با "اقتصاد جنگی" به جدال آن برویم! او خواهان افزایش بسیار بیشتر منابع اقتصاد جهانی در جدال با کرونا است و میگوید منابع باید به هدف شکستن "منحنی کشتار" باشد و نه فقط کاهش در آهنگ صعود آن! او اضافه میکند که: از این تراژدی باید بعنوان "یک فرصت" برای خلق "اقتصاد" هایی استفاده کرد که پوشش "همگانی" تری داشته باشد و در "سیر پیشروی" آن "ثبات" وجود داشته باشد. او بعلاوه ابراز نگرانی میکند که: بسیاری چیزها [ ] به نحو غیرقابل بازگشتی در زندگی ما تغییر خواهد کرد. در صف مقامات حاکم بر جهان، اظهارات دبیرکل سازمان ملل شاید "رادیکال" ترین جهت گیری باشد که در حرف مطرح شده است. اختصاص منابع به هدف پایان کشتار و شکل داد به اقتصادی "معتدل تر" و "حمایتی" تر! دبیرکل سازمان ملل، "انتظار" و "آرزو" خود از نظامی را مطرح میکند، که اگر توصیه های او را عملی کند، نه تنها امکان "احیا" پیکره اقتصاد ضربه خورده ش را ندارد، نه تنها قادر به تجدید حیات اقتصادی در قد و قامت نظام "پیشاکرونا" نیست، که تماما ورشکسته خواهد شد. پذیرش مسئولیت در این سطح، اختصاص منابع اقتصادی در این سطح، برای کاپیتالیسم قرن بیست و یکم با اقتصاد بازار آزاد، عملا در حکم اعلام ورشکستگی کامل است! نظامی که در آن مبنای تولید، سود و سودآوری هرروز و هرلحظه بیشتر و بی قید و شرط است، و در راه تامین آن همه مدل های دیگر رشد و توسعه کاپیتالیستی، دولتی و نیمه خصوصی و "تعاونی" و "رقابت مسئولانه" را عقب رانده و به شکست کشانده است، حتی اگر در گذشته امکان "تعدیل" در رفتار با انسان را داشت، بیش از یک قرن است که دیگر چنین امکانی ندارد. نظامی که در یک مارا تون بی انتهایی سودآوری وسیع و سریع، بیش از هر زمانی در تاریخ به بشر و طبیعت آسیب زده است، امکان رجعت به گذشته "معتدل تر" را ندارد. چرخش از نئولیبرالیسم به شکلی از "اعتدال" و اتخاذ سیاست دخالت نسبی دولت در مکانیزم بازار، رجعت به گذشته سپری شده ای است که به سادگی ممکن نیست. برای اصلاح نظام و "تغییر شیوه زندگی" و آموختن از "اشتباهات" بازیگران دیگری از اعماق جوامع انسانی قد علم

میکند و از امروز نشانه های حضور آن را میتوان مشاهده کرد. پاسخ های این بازیگران، الزاما در چهارچوب حفظ نظام نیست. امروز در بعد میلیاردری در سطح جهان، مردم دشمن رو در رویشان را با "مرگ و نیستی" شان و در دل بحران کرونا، دیده و شناخته اند. انتظار شریک کردن جوامع انسانی در سود و انباشتی که تنها و تنها با بهره گیری افسار گسیخته و افسانه ای و نه "همزیستی مسالمت آمیز" امکان تولید و بازتولید داشته و دارد، توقعی غیرتاریخی و غیرواقعی از نظام موجود است. بورژوازی برای برون رفت از این بحران پاسخ و راه حلی، جز کند کردن و کنترل کردن نرخ کشتار و تامین حداقلی از سلامت، آنهم برای "پسیلونی" نزدیک به صفر از جمعیت بیش از هفتاد میلیاردی کره خاکی، ندارد. این واقعیت، متفکرین، نظریه پردازان و حاکمان نشسته بر کرسی های قدرت، و کل دست اندرکاران حرکت نظام در قلب جوامع "متمدن" را دچار دپرسیون سیاسی و ایدئولوژیک عمیقی کرده است. در حالی که بهبود چشم گیری در حفاظت از سلامت مردم در دورنما نیست، از منابع صدها میلیاردی که دولت ترامپ سراسیمه برای کمک به کمپانی ها اختصاص میدهد و هر روز وعده بازگشت چرخ اقتصاد به "نرمال" صادر میکند تا پروپاگاندهای انتخاباتی، نظامی و امنیتی شمشیرکننده عفونی ترین سردمدران و "قهرمانان" منجیلاب کاپیتالیستی قرن بیست و یکم، چون خامنه ای و نتنیاهاو و ترامپ، همه و همه، گویای موقعیت نظام جهانی است که در جنگ با کرونا، افق پیروزی مندی در مقابل خود نمی بیند. نجات شهروندان، کاهش فوری مرگ و میر، قبول مسئولیت جدی، جلوگیری سرعت پاسخ گویی به سرعت گسترش کرونا، در جهان "متمدن" غرب میلیمتری صورت میگیرد و در جوامعی چون ایران مطلقا صفر است. جهانیان، وعده "تست کردن" های لاک پشتی و تخصیص امکانات ناچیز و قربانی شدن مردم به این دلایل، را به روشنی می بینند.

دنیایی بر این حقیقت واقف است که علم و دانش، خلاقیت و سرعت تولید و سرعت رساندن تجهیزات و نیروی انسانی، و در یک کلام امکانات جهان امروز "پیروزی" بر این اپیدمی را به سرعت ممکن میکند. سرعت بخشیدن به امر "تست" کردن همه مردم برای کشف مبتلایان به کرونا و فراهم کردن سریع امکانات برای همه بیماران در جوامع امروزی، نه تنها دشوار نیست که به سهولت ممکن است. امکانات جهانی که در آنها، فاصله زمانی معرفی یک ایده برای تولید و عرضه به بازار، تا رسیدن کالا بدست مشتری، کمتر از یک روز کاری است، از چشم مردم پنهان نیست. نسل و نسل هایی که دیده اند، فاصله زمانی معرفی تولید این و آن کالا پرفرمدار تا رسیدن خود کالا بدست علاقمند و مشتری که پول خرید نقد یا نسبه آن را دارد، در پرت ترین نقطه کره زمین، کوتاه تر از چند روز است، این کندی و کمبود را نمی پذیرند. برای این مردم، ناتوانی نظام کاذب، است. ناشی از ناتوانی بشر نیست! ناشی از ناخوانایی مقتضیات کارکرد آن با نیازهای بشر است.

در میان مردمی که گفته می شد، اول و آخر آرمان و معنی زندگی برایشان خواب و خیال و "آرزوی" داشتن یک زندگی به شیوه "سلبرتی" و رویگردانی از تعمق نسبت به پدیده های بزرگ در جهان امروز است. در میان نسل و نسل هایی که قرار بود دنیای قهرمانان شان "سوپرپاورهای" فیلم های تخیلی باشد و پیروزی در جدال های دنیای مجازی و بازی های کامپیوتری، تکان های مهمی ایجاد شده است. نشانه های موجی از "نواندیشی" در جوامع انسانی را به روشنی میتوان مشاهده کرد. در دنیای واقعی و مادی مرگ و زندگی، ارزش مصرف دارو و درمان و کادر درمانی، مسکن و تولید و توزیع مواد غذایی و مواد مورد نیاز مردم، و اهمیت مردمی که به داد حلقه های ضعیف، بیماران و سالمندان می رسند، کسانی که کالا ها و نیازهایی که بشر را قابل دسترس میکنند، به نحو معجزه آسایی وزن خود را تحمیل میکنند! بخش اعظم مشاغل "مهم" و "پول ساز"، همه و همه بی مصرف و به زندگی امروز نامربوط میشوند! احساس هم سرنوشتی و همیاری رشد میکند. ارزش های جدید جای ارزش های کاذب پیشین را میگیرد. برخلاف تصویر کاذب و حاشیه ای که گویا "عجز" و ناتوانی بشر قرن بیست و یکم در مقابل این ویروس، منشا این "بحران" است، و یا گویا بشریت دچار "انتقام طبیعت" شده است، تصویر عمومی و متوسط در خود جوامع غربی چیز دیگری است. همدردی و هم سرنوشتی حاکمین و محکومین، از تهران تا نیویورک و پاریس و برلین و لندن تا پکن و مسکو، و گویا مردم و دولت ها مشغول غلبه بر "دشمن مشترک"ی هستند، کمترین جایی در روانشناسی این جوامع ندارد. این واقعیت که غلبه بر این ویروس، نه تنها امروز که دهه ها و دهه های قبل ممکن بود و می توانست به سادگی غلبه بر ویروس هر گریپ و سرماخوردگی ساده ای باشد، قابل پنهان کردن نیست. سرعت دخالت، داوطلب شدن مردم برای کمک رسانی، از سرعت باز کردن کمی سرکیسه منابع، جلو میزند و فی الحال جلو زده است. این سیر مردم بیشتری را به میدان می کشاند.

پاسخ پائین به "کجای کار اشتباه بود"، خارج از نظام و در مقابل آن به تدریج شکل میگیرد. در این سیر نیاز به سوسیالیسم، رجوع به ایده های سوسیالیستی، مانیفست کمونیست و مارکس، ایده انقلابات جدید، و تلاش برای وارونه کردن این نظم ضدانسانی و نشان دادن آن بر قاعده، از پشت صحنه، اندک اندک، به جلو صحنه رانده میشود.

در انتهای یک فاز ...

## نشریه هفتگی حزب حکمتیست (خط رسمی)

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سردبیر: فواد عبداللهی  
[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

تلگرام حزب  
[@Hekmatistx](https://t.me/Hekmatistx)

### تماس با حزب

دبیرخانه حزب

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

[mozafar.mohamadi@gmail.com](mailto:mozafar.mohamadi@gmail.com)

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

کمونیسم به مبانی سرمایه داری باز خواهد شد. کمونیسم بعنوان آلترناتیو و نقدی انسانی به کلیت جامعه سرمایه داری، که تنها راه ممکن نجات بشر از این وضعیت و سامان دادن یک نظام اجتماعی کار و رفاه است. باید فعالانه به جنگ بورژوازی جهانی برخیزد؛ دنیا میتواند بر پاشنه دیگری هم بچرخد. برای همه روشن شده است که حاکمیت جهانی سرمایه، جز به فقر و فلاکت اقتصادی، گرسنگی و آوارگی، جنگها و تخاصمات قومی و ملی، زوال تدریجی منابع زیست محیطی، و بی حقوقی سیاسی اکثریت عظیم مردم زمین، نیانجامیده است؛ امروز همه میدانند که مشکل جهان ما به کارکرد مناسبات اجتماعی و تولیدی و مالکیت خصوصی گره خورده است؛ در دنیای پسا کرونا میتوان این مناسباتی که سود را بر جان و رفاه انسانی حاکم کرده است، لگام زد و شرایطی آزاد و برابر و مرفه را پی افکند. پیشرفت های تکنولوژیک و ثروتهای نجومی در جهان ما، امکان زندگی توأم با شادی، رفاه، سلامت و آسایش را به همه شهروندان جهان میدهد. شانس موفقیت در پی بردن به موقعیت ویژه طبقه کارگر و کمونیسم در جهان پسا کرونا است؛ شانس موفقیت در قد راست کردن طبقه کارگر و مارکسیسم بعنوان نماینده خود آگاه جنبش ساختارشکنانه علیه نظام سرمایه داری است. این فاکتور اساسی در تغییر سیمای جهان امروز است.

آیا جهان بعد از کرونا کماکان جهان ترکنازی دولت ها علیه استانداردهای زندگی است؟ آیا نظام افسارگسیخته بازار کماکان بر متن هجوم به خدمات رفاهی، پزشکی و اجتماعی میلیونها انسان به حیات خود ادامه خواهد داد؟ آیا امثال ترامپ ها و جانسون ها و خامنه ای ها و نتانیاهوها بر تل خاکستر انسانها، کماکان حاکم خواهند ماند؟ جای تردید است! کرونا حس فلسفی و تاریخی متفکرین و مردم را فعال کرده است و این سوال که "من کیستم، در این جهان چه میکنم و آینده ام چه خواهد شد" به حافظه اجتماعی و جهانشمول مردم کشیده شده است. جای تردید است که بورژوازی در دوران پسا کرونا کماکان جرات کند که جهان سراسر نابرابر، پر از گرسنگی، جنگ، بی خانمانی، ناامنی و بیکاری را سرنوشت محتوم بشر در امروز و آینده به خورد کارگران و مردم جهان دهد. دوران یکه تازی دموکراسی بازار بسر رسیده است. دوران پست-مدرنیسم و قرنطینه فکری بشر، دوران خلاء فلسفی و فلج فکری بشریت به انتها رسیده است. معلوم شد مدرنیسم و آزادی، معنی دارد؛ برابری معنی دارد؛ رفاه معنی دارد؛ بهداشت و بیمه بیکاری و طب رایگان معنی دارد؛ معلوم شد ایده آل های انسانی و سوسیالیستی معنی دارند؛ معلوم شد مقاومت و مبارزه علیه آینده کثیفی که نظام سرمایه و سود وعده میدهد، یک مقاومت جهانی است. یک همبستگی و هم سرنوشتی بین المللی علیه سرمایه داری است؛ کرونا بار دیگر ثابت کرد که مبارزه علیه نظام سرمایه داری، ملیت و مذهب و مرز و نژاد نمیشناسد؛ تنها مبارزه و مقاومتی معتبر است که قابل تعمیم است. پایان کرونا، سرآغاز کیفر خواست جهانشمول انسان علیه حاکمیت سرمایه داری در همه اشکال آن است؛ یک دوره پرتلاطم از خیزشها و جنبش های اجتماعی بر پلی از ایده آل های مساوات طلبانه و آزادی خواهانه خواهد بود که نطفه های آن از هم اکنون بسته میشوند. پلی که بر فراز برزخ سرمایه داری، ۲۰۰ سال مبارزه حق طلبانه طبقه کارگر و ارزشهای پیشرو را به آینده وصل میکند. کرونا یاد بشریت انداخت که ایده آل هایی وجود داشته اند! اصولی وجود داشته است؛ مارکس و انگلس و انقلاب اکتبری وجود داشته است؛ آرمان سوسیالیستی وجود داشته است؛ حقوق مدنی و اجتماعی وجود داشته است؛ کرونا بار دیگر تاریخ را کالبدشکافی کرد! پلهایی در تاریخ هست که دنیای امروز را به رگه های انسانیت و مدنیت در آن گذشته نگه میدارد و امکان تعرض دوباره به ساحت سرمایه داری در زمان حال و آینده را ممکن میسازد. از دریچه کرونا میتوان به منظره های بزرگ نگاه کرد؛ میتوان سقوط "پایان تاریخ" را دید؛ میتوان بلا تکلیفی بورژوازی جهانی را دید؛ پایان دوران خوش "دموکراسی" بازار را دید؛ از دیچه کرونا میتوان اغتشاش در صفوف دشمن طبقاتی را دید؛ میتوان دید که چگونه سرمایه داری جهتگیری سیاسی - ایدولوژیک اش را از دست داده است؛ حتی باورهای بنیادی اقتصادی اش زیر سوال رفته است؛ دوران پسا کرونا، دوران هزیمت بازار و زدن شاخ و برگ های آن است؛ پس از کرونا، چهارچوبهای فعلی خواهند شکست، راست افراطی بی خاصیت خواهد شد، فضا برای تعرض طبقه کارگر و